

اهداف اقتصاد تعاونی، رابطه آن با اهداف نظام اقتصادی اسلام و قانون جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۱۶ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۱/۶

احمدعلی یوسفی*

چکیده

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد بخش تعاون، یکی از سه بخش اقتصاد ایران معرفی شده است. در قانون تعاون، نیز اموری به عنوان اهداف آن شمرده شده است؛ اما بر چه اساسی این امور به عنوان اهداف آمده، معلوم نیست. در حالی که اهداف، نقطه مطلوب و مسیر حرکت را نشان می‌دهند و فقط با تعیین اهداف می‌توان نیازها، امکانات و روش‌های وصول به آن را تعیین کرد. در غیر این صورت وصول به اهداف، امری مشکل و با اشتباه‌های فراوانی روبه‌رو خواهد بود.

در نوشتار پیش‌رو، به روش توصیفی تحلیلی، ابتدا به اهداف نظام اقتصادی اسلام اشاره می‌شود؛ آنگاه، الگویی از اقتصاد تعاونی که همه نحل‌های فکری تعاونی آن را قبول دارند و با کمی بازسازی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است، تبیین می‌شود؛ سپس، اهداف تعاون‌گران، بخش اقتصاد تعاونی و دولت در این الگو مشخص شده و نشان داده می‌شود که تحقق این الگوی اقتصاد تعاونی، بستر مناسبی برای محقق شدن اهداف نظام اقتصادی اسلام است. سرانجام با توجه به نتایج تحقیق، کاستی‌های اهداف اقتصاد تعاونی در قوانین جمهوری اسلامی ایران آشکار، و مطابق با نتایج تحقیق، بازنگری می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد تعاونی، اهداف تعاون‌گران، اهداف اقتصاد بخش تعاون، اهداف دولت در اقتصاد تعاون، اهداف نظام اقتصادی اسلام، قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران.

طبقه‌بندی JEL: P13, P17, P52.

Email: Economi.eslamic@gmail.com.

*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

در قانون اقتصاد تعاونی ایران، امور مهمی؛ مانند: تحقق اشتغال کامل، توزیع عادلانه ثروت و پیش‌گیری از انحصار، احتکار و تورم به‌عنوان اهداف آن آورده شده است (معاونت پشتیبانی و امور مجلس وزارت تعاون، ۱۳۷۷، ص ۱-۲).

هر حرکت و اقدام معقول و منطقی، ناگزیر باید در پی هدف روشن و دست‌یافتنی باشد. در شکل‌گیری هر نظامی از جمله نظام اقتصادی و فعالیت‌های نظام‌مند آن، جایگاه اهداف، غیرقابل انکار است. اهداف، مقصد مطلوب حرکت و تعیین‌کننده مسیر آن هستند. همچنین فقط با تعیین اهداف می‌توان نیازها، امکانات و روش‌های وصول به آن را تعیین کرد؛ بنابراین، اگر اهداف اقتصاد تعاونی دقیق مشخص نشوند، تعیین نیازها، امکانات و روش‌های وصول به اهداف و نیز مسیر حرکت در اقتصاد تعاونی، امری مشکل و با اشتباه‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد.

از آنجایی که اقتصاد تعاونی یکی از سه بخش نظام اقتصادی اسلام در اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شمرده شده، باید ارتباط اهداف اقتصاد تعاونی با اهداف نظام اقتصادی اسلام روشن شود. اگر بین آنها هم‌سویی وجود داشته باشد، تحقق اهداف اقتصاد تعاونی زمینه تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام خواهد شد. در صورتی که بین آنها هم‌سویی وجود نداشته باشد، باید اهداف اقتصاد تعاونی در جهت هم‌سویی با اهداف نظام اقتصادی اسلام بازسازی و اصلاح شود.

در منابعی که به بحث درباره اهداف اقتصاد تعاونی پرداخته شده، بیش‌تر به اهداف تعاون‌گران و شرکت‌های تعاونی اشاره شده است. در برخی موارد، اهداف دولت‌ها در تعاونی‌ها یا اهداف سازمان‌ها از جمله اتحادیه بین‌المللی تعاون بیان شده است. تحقیق پیش‌رو درصدد تبیین الگویی از اقتصاد تعاونی با اهدافی مشخص و مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است؛ سپس، رابطه آن با اهداف نظام اقتصادی اسلام مشخص می‌شود. آنگاه اهداف اقتصاد تعاونی در قانون جمهوری اسلامی ایران بازنگری و بازسازی می‌شود؛ بنابراین، دو فرضیه ذیل در این تحقیق دنبال می‌شود:

۱. اقتصاد تعاونی با اهداف مشخص و مورد تأیید آموزه‌های اسلامی بستر تحقق اهداف

نظام اقتصادی اسلام است؛

۲. اهداف اقتصاد تعاونی در قانون جمهوری اسلامی ایران با کاستی‌هایی همراه است که رفع آن ممکن است.

برای اثبات فرضیه‌های تحقیق، ابتدا به اهداف نظام اقتصادی اسلام اشاره می‌شود. آنگاه، الگویی از اقتصاد تعاونی که همه نحله‌های فکری تعاونی آن را قبول دارند و با کمی بازسازی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است، تبیین می‌شود؛ سپس، اهداف تعاون‌گران، بخش اقتصاد تعاونی و دولت در این الگو مشخص شده و نشان داده می‌شود که تحقق این الگوی اقتصاد تعاونی، بستر مناسبی برای محقق شدن اهداف نظام اقتصادی اسلام است. سرانجام با توجه به نتایج تحقیق، کاستی‌های اهداف اقتصاد تعاونی در قانون ایران، آشکار شده و مطابق با نتایج تحقیق، بازنگری می‌شود.

روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است؛ بنابراین، متن اصلی تحقیق، تحلیل محتوای منابع اقتصاد تعاونی و مدارک و مآخذ اسلامی است که با تحلیل‌های عقلی و بهره‌گیری از روش‌های عقلایی، اهداف مقاله دنبال می‌شود.

رابطه اهداف اقتصاد تعاونی و اهداف نظام اقتصادی اسلام

تحقیق پیش‌رو، تقسیم‌بندی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که در اصل چهل و چهار، اقتصاد را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم کرده (منصور، ۱۳۸۴، ص ۴۰ - ۳۹)، پذیرفته است؛ بنابراین، یکی از پیش‌فرض‌های تحقیق آن است که براساس آموزه‌های قانون اساسی، اقتصاد تعاونی، در عرض اقتصاد بخش دولتی و خصوصی، منطبق علمی دارد و اقتصاد تعاونی بخشی از پیکره نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران شمرده می‌شود. به همین علت، اقتصاد تعاونی و اهداف آن باید در جهت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام باشد و طراحان نظام اقتصادی اسلام باید اقتصاد تعاونی را در جهت وصول به اهداف نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای سامان‌دهی کنند که زمینه‌ساز تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام باشد. نتیجه این مطلب آن است که ابتدا باید اهداف نظام اقتصادی اسلام مشخص شود، آنگاه اهداف اقتصاد تعاونی از آموزه‌های اسلامی کشف و هم‌سویی آن با اهداف نظام اقتصادی اسلام نشان داده شود.

اهداف نظام اقتصادی اسلام

مطابق مقاله مستقلى كه نويسنده درباره اين موضوع نوشته و با تمسك به آموزه‌هاى اسلامى، اهداف نظام اقتصادى اسلام را در سه رتبه طولى به اثبات رسانده است (يوسفى، ۱۳۸۷، ص ۶۶-۳۱)، اهداف نظام اقتصادى اسلام سه رتبه مترتب بر هم دارند كه عبارت هستند از:

۱. هدف عادلى: رفاه عمومى؛

۲. اهداف ميانى: عدالت، امنيت و رشد اقتصادى؛

۳. اهداف عملى: پديدساختن اشتغال و رفع بيكارى، تثبيت سطح عمومى قيمت‌ها، رفع نابرابرى فرصت‌ها، تربيت و تقويت انگيزه‌هاى اخلاق اقتصادى، جلوگيرى از انحصار، پرهيز از رباخوارى، جلوگيرى از احتكار و ...

نكاتى درباره اهداف نظام اقتصادى اسلام شايان يادآورى است:

۱. هر رتبه از اهداف نسبت به رتبه بالاتر، زمينه‌ساز آن، شمرده مى‌شود؛
 ۲. اهداف نظام اقتصادى اسلام در تمام رتبه‌ها و نيز در هر رتبه نبايد ناسازگار با هم باشند؛
 ۳. اگر در مقام تحقق اهداف نظام اقتصادى اسلام، بين اهداف، تزامم اتفاق يافتد، هر هدفى نظام اقتصادى را به هدف عادلى - رفاه عمومى - نزديك‌تر كند، مقدم‌تر است؛
 ۴. اجزای نظام اقتصادى اسلام - بخش تعاونى، خصوصى و دولتى - بايد به گونه‌اى سامان‌دهى شوند و با هم تعامل كنند تا در جهت تحقق اهداف نظام اقتصادى اسلام قرار گيرند؛
 ۵. بخش دولتى افزون بر آنكه به طور مستقيم وظيفه تحقق اهداف نظام اقتصادى اسلام را بر عهده دارد، بايد از موضع حاكميتى، دو بخش ديگر را به گونه‌اى سامان‌دهى و هدايت كند تا در جهت تحقق اهداف نظام اقتصادى اسلام قرار گيرند؛
 ۶. اختصاص ميزان امكانات عمومى و ملى تحت مالكيت يا مديريت دولتى، براى سامان‌دهى و هدايت دو بخش تعاونى و خصوصى به ظرفيت هر بخش براى تحقق هدف عادلى نظام اقتصادى اسلام - رفاه عمومى - بستگى دارد.
- در ادامه، ابتدا منظور از اقتصاد تعاونى بيان شده؛ آن‌گاه اهداف اقتصادى آن بررسى مى‌شود.

اقتصاد تعاونى

درباره اقتصاد تعاونى بين اندیشه‌وران اقتصاد تعاونى اختلاف وجود دارد كه آيا تعاونى‌هاى توليد نيز واقعاً تعاونى شمرده شده و مى‌توانند سبب تحقق فلسفه و اهداف اقتصادى آن

شوند؟ همچنین، درباره تعاونی‌های مصرف نیز شبیه این پرسش‌ها مطرح است. تحقیق پیش‌رو بر مبنای تفسیری از تعاونی، سامان می‌یابد که همه محققان آن را به‌عنوان یکی از مصداق‌های مسلم اقتصاد تعاونی می‌پذیرند. در ادامه، ابعاد آن در حدی که در این تحقیق مورد نیاز است، به اختصار بیان می‌شود. این نوع اقتصاد تعاونی با کمی بازسازی براساس آموزه‌های اسلامی با روش امضای مرسوم در فقه اسلامی، مورد تأیید دستگاه فقه اسلامی است و از بررسی تفصیلی آن براساس قواعد و موازین فقه اسلامی در این مجال مختصر، خودداری می‌شود.

اساس این اقتصاد تعاونی در حمایت از مصرف‌کنندگان بنا نهاده شده است. به همین جهت، برنارد لاورن با طرح این پرسش «آیا بهتر نیست این نوع شرکت‌های تعاونی را شرکت‌های تعاونی مصرف‌کنندگان بنامیم؟» توضیح می‌دهد که با گفتن تعاونی مصرف، ممکن است این توهم برای اشخاص حاصل شود که این شرکت‌ها فقط اجناس مورد احتیاج اعضای خود را به‌طور عمده خریده و به‌صورت جزئی به اعضای خود می‌فروشند. در حالی که اغلب آنها کارخانجات متعددی داشته و اجناس مورد نیاز اعضای خود را مطابق با ذوق و سلیقه اعضای خود تولید می‌کنند (لاورن، ۱۳۴۸، ص ۶۲ - ۶۱). در حقیقت برنارد لاورن مانند استادش شارل ژید با این توضیح می‌خواهد به پرسش مطرح‌شده، پاسخ مثبت دهد و همچنین اهمیت نقش این نوع شرکت‌های تعاونی را در عرصه تولید بیان کند. آنان برای اثبات ادعای خود چنین استدلال می‌کنند که تمام افراد بشر اعم از کودک خردسال تا پیران سالخورده و صاحبان انواع مشاغل و ... مصرف‌کننده هستند؛ اما گروه تولیدکنندگان با اینکه اهمیت اساسی در جامعه دارند؛ اما همه افراد جامعه را شامل نمی‌شوند؛ بنابراین، باید در جهت حفظ منافع و رفع نیازهای اقتصادی مصرف‌کنندگان قدم برداشت. برای تحقق چنین شرایطی باید مصرف‌کنندگان، تولید کالاها و خدمات مورد نیاز خود را بر عهده گیرند یا تولید تحت نظر آنان انجام گیرد. به این ترتیب، بین تولید و مصرف توازن و تعادل برقرار شده و اقتصاد با بحران - رکود و تورم - روبه‌رو نخواهد شد. همچنین، واسطه بین مصرف‌کننده و تولیدکننده از بین می‌رود و بخش مهمی از درآمد مصرف‌کنندگان که به واسطه‌ها می‌رسید، برای مصرف‌کننده صرفه‌جویی شده و قدرت خرید آنان افزایش می‌یابد. افزون بر آن، سودی که از طرف مصرف‌کنندگان پیش از این

به سرمایه‌داران تولیدکننده می‌رسید، به نفع مصرف‌کنندگان صرف انجام امور تولیدی یا باعث افزایش قدرت خرید مصرف‌کنندگان می‌شود. شارل ژید باور دارد که «این نوع تعاونی‌ها فقط دل‌خوشی آنکه بتوانند قیمت تمام‌شده اجناس را به حداقل برسانند دست به تولید نمی‌زنند؛ بلکه می‌دانند فقط به وسیله تولید است که می‌توانند تشکیلات اقتصادی را دگرگون کنند» (ژید، ۱۳۴۸، ص ۲۱۸).

طرفداران اقتصاد تعاونی، طرح سه مرحله‌ای را برای تحقق و اجرایی کردن آن بیان کرده‌اند. شارل ژید این سه مرحله را به‌طور پراکنده در کتاب خود به نام **تعاونی‌های مصرف** آورده است. نویسنده کتاب اصول و اندیشه‌های تعاونی نیز به خوبی این سه مرحله را به صورتی که در ذیل بیان می‌شود، ارایه می‌کند:

مرحله اول: تعاونی‌های مصرف محلی تأسیس می‌شوند. با توسعه و تمرکز تعاونی‌های مصرف و پدیدساختن اتحادیه‌های تعاونی، شعاع عمل وسیعی برای آنها فراهم می‌شود. با توسعه شرکت‌های تعاونی مصرف و افزایش حجم فروش آنها منافع قابل‌توجهی از راه جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و مازاد فروش، حاصل می‌شود. این مرحله باید به قدر کافی گسترش پیدا کند. این امر فقط برای به‌دست آوردن سرمایه کافی برای راه‌اندازی تولید در دو مرحله بعدی نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن به‌دست آوردن بازار لازم و مطمئن برای تولیدات است؛ چون با داشتن تعداد قابل قبول اعضا، تعاونی‌های مصرف با اعتماد و اطمینان بیشتری به تولید کالاها و خدمات اقدام می‌کنند؛ البته، اتحادیه ملی تعاونی‌ها بر فرایند سه‌گانه نظارت و از آنها حمایت و برای آنها رهنمودهای لازم را ارائه می‌دهد.

مرحله دوم: در این مرحله با استفاده از سرمایه‌های جمع‌آوری‌شده از راه فروش سهام به اعضا و ذخیره‌های حاصل از فعالیت‌های اقتصادی تعاونی، کارخانه‌های تولیدی تأسیس می‌شوند. با تأسیس این قبیل واحدهای تولیدی، کالاهای مصرفی تعاونی‌های مصرف به دست تعاونی‌های مصرف یا تحت نظارت آنها تولید و عرضه می‌شود. به عبارت دیگر، مصرف‌کنندگان تعاونی‌های مصرف، کالاهای موردنیاز خودشان را تولید می‌کنند یا تحت نظارتشان تولید می‌شوند.

مرحله سوم: در این مرحله تعاونی‌ها باید خود مواد اولیه تولید را خودشان فراهم کنند. با خرید زمین، تهیه مواد اولیه از راه معادن و ... مواد موردنیاز کارخانه‌های تولیدی را فراهم

می‌کنند. به این ترتیب، با فرض اینکه مصرف‌کنندگان بسیاری، عضو تعاونی‌های مصرف هستند و تمام مراحل تولید، تبدیل، بسته‌بندی، توزیع و ... به وسیله خود مصرف‌کنندگان عضو انجام می‌شود، تاخت‌وتاز و تاراج بنگاه‌های سرمایه‌داری کنترل می‌شود و فاصله‌های طبقاتی کاهش یافته و کینه و عداوت از بین رفته و نزاع‌ها پایان می‌یابد (طالب، ۱۳۷۶، ص ۸۴).

شایان ذکر است که سازوکار تعیین قیمت کالاهای تولیدی، عرضه و تقاضای بازار است؛ بنابراین، تعاون‌گران هر چند در فعالیت‌های اقتصادی با هم رقابت نمی‌کنند؛ اما برای حفظ موقعیت خود باید مراقب بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی سرمایه‌داری باشند تا با انواع حيله‌ها آنان را از میدان فعالیت اقتصادی خارج نکنند. براساس سازوکار عرضه و تقاضای بازار وقتی کالاهای تولیدی به اعضای تعاونی‌های مصرف و نیز غیر اعضا فروخته می‌شوند، تفاوت درآمدی براساس تفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت فروش شکل می‌گیرد. این تفاوت درآمد، سود فروش شمرده نمی‌شود تا بین صاحبان سرمایه توزیع شود؛ بلکه به‌عنوان مازاد درآمد، حقوق نیروهای فعال اقتصادی در تعاونی‌های مصرف و تولید از آن پرداخت می‌شود. بخشی از آن به‌عنوان سود محدود به سرمایه‌های تعاونی تعلق می‌گیرد و مابقی به‌عنوان مازاد برگشتی به خریداران کالاها به تناسب خریدشان، توزیع می‌شود. بخشی از مازاد برگشتی که از ناحیه خرید غیراعضا شکل می‌گیرد، به‌عنوان سهام آنان پیشنهاد می‌شود تا به عضویت تعاونی درآیند یا برای توسعه تعاونی‌ها اختصاص می‌یابد؛ بنابراین با گسترش فعالیت اقتصادی به شکل تعاونی به‌صورتی که بیان شد، انگیزه پی‌گیری حداکثر سود مادی شخصی که سرچشمه بسیاری از ناپسامانی‌های اقتصادی و اخلاقی است، کنترل شده و فضیلت‌های اخلاقی در روابط اجتماعی و اقتصادی رشد و نهادینه می‌شود. طرفداران این دیدگاه شرکت‌های تعاونی را فقط بنگاه اقتصادی نمی‌دانند که به تولید و توزیع می‌پردازند؛ بلکه آنها را میدان‌های واقعی مشارکت و تعاون انسان‌های فعال می‌دانند (ژید، ۱۳۴۸، ص ۲۴۵ - ۲۱۸ / طالب، ۱۳۷۶، ص ۷۷ - ۶۹). آنچه بیان شد، تجربه موفق تاریخی هم آن را تأیید می‌کند. تعاونی *پیشروان منصف راجدیل* با این روش موفق شد تحول‌های بزرگی در عرصه اقتصادی پدید آورد و به بسیاری از آلام و مشکلاتی را که نظام سرمایه‌داری پدید آورده بود، التیام ببخشد (همان، ص ۲۱-۲۰).

اهداف اقتصادی تعاونی

مقصود از اهداف اقتصادی تعاونی اعم از اهداف تعاون‌گران، اهداف بخش تعاونی و اهداف دولت در اقتصاد تعاونی است؛ بنابراین، هر سه مورد جداگانه بررسی شده و هم‌سویی آنها با اهداف نظام اقتصادی اسلام تبیین می‌شود.

الف) اهداف اقتصادی تعاون‌گران

منظور از تعاون‌گران، مجموعه افرادی هستند که براساس اصول و ارزش‌های تعاونی برای فعالیت اقتصادی گرد هم آمده و شرکت تعاونی را تشکیل می‌دهند. این افراد در پی چه هدفی این نوع فعالیت اقتصادی را انتخاب می‌کنند؟

تعاون‌گران باور دارند که پی‌گیری حداکثر کردن سود مادی شخصی در فرایند اقتصادی به رقابت ختم می‌شود و رقابت اقتصادی باعث کینه و دشمنی بین فعالان اقتصادی می‌شود. در حالی که اگر عرصه فعالیت اقتصادی عرصه بروز ارزش‌های اخلاقی و انسانی نشود، انسان‌ها هرگز به صلح، آرامش و رفاه واقعی نخواهند رسید. آنان می‌خواهند منافع فعالیت‌های اقتصادی نصیب دیگران نیز بشود؛ بنابراین، به انگیزه رفع نیاز مادی خود و اعضای دیگر تعاونی، به فعالیت اقتصادی می‌پردازند. تمام فعالان اقتصادی به‌طور واقعی در مالکیت و مدیریت فرایند اقتصادی سهم و مشارکت و همکاری دارند. این مشارکت و همکاری مورد تأیید آموزه‌های قرآنی است: «تعاونوا علی البرّ و التقوی» (مائده: ۲). این شرایط در صورتی محقق می‌شود که مصرف‌کنندگان، خود تولیدکنندگان کالاها باشند یا تولید تحت‌نظر مصرف‌کنندگان قرار گیرد. در این صورت واسطه‌های بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان حذف و کالاها با قیمت عادلانه به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. به این صورت قدرت خرید مصرف‌کنندگان افزایش می‌یابد. تحقق چنین شرایطی نیازمند سه مرحله فعالیت اقتصادی است که پیش‌تر بیان شد.

بنابراین با گسترش فعالیت اقتصادی به شکل تعاونی به‌صورت بیان‌شده، انگیزه پی‌گیری حداکثر سود مادی شخصی کنترل شده و فضیلت‌های اخلاقی در روابط اجتماعی و اقتصادی رشد و نهادینه می‌شود. آموزه‌های اسلامی نیز دریافت سود از برادر مؤمن را ناپسند معرفی می‌کند. روایت‌های فراوانی در این باره در منابع روایی وارد شده است. در

ادامه به تعدادی از روایت‌ها اشاره می‌شود: /امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده است: «ربح المؤمن علی المؤمن ربا» (حرّ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۲۹۷)؛ یعنی سود مؤمن از مؤمن دیگر ربا است. حضرت در روایت دیگری تعبیر «ربح المؤمن ربا» (همان، ص ۲۹۸)؛ یعنی سود مؤمن ربا است، بیان فرموده است.

مقصود از ربا، در این دو روایت، معنای لغوی آن نیست؛ یعنی امام علیه السلام فقط نمی‌خواهند بفرمایند که دریافت سود از مؤمن «مازاد» است؛ بلکه در مقام بیان حکم فقهی چنین رفتاری است. از آنجایی که حرمت ربا از مسلمات دین اسلام است، امام علیه السلام چنین حکمی را بیان می‌کند؛ اما اطلاق گفتار امام علیه السلام در بیان دیگری به دو گونه تقييد خورده است. هر دو نوع تقييد نیز از امام صادق علیه السلام وارد شده است. در یکی از این بیانات، حضرت علیه السلام فرمود: ربح المؤمن علی المؤمن ربا الا أن یشتري باكثر من مائة درهم فاربح علیه قوت یومک، او یشتريه للتجارة فاربحوا علیهم وارفقوا بهم (حرّ عاملی، ۱۴۱۳، ص ۳۹۶).

سود مؤمن از مؤمن ربا شمرده می‌شود؛ مگر آنکه بیش از صد درهم خرید کند که در این صورت سودی به اندازه قوت روزت را دریافت کن یا اگر برای تجارت کالایی را خرید می‌کند، می‌توانی از آنان سود دریافت کنی؛ اما با آنان رفق و مدارا کن.

از ظاهر روایت استفاده می‌شود که امام صادق علیه السلام اطلاق روایت را مقید می‌کند به اینکه اگر مؤمنی بیش از صد درهم خرید کند، می‌توان از وی سود قوت روز را دریافت کرد؛ اما اگر برای تجارت خرید می‌کند با رعایت رفق و مدارا می‌توان از وی سود دریافت کرد. در این روایت نیز امام علیه السلام دریافت سود را مقید کرد به دو قید: یکی اینکه کالا قیمتش بیش از صد درهم باشد و دیگری مقدار سود هم قوت یک روز باشد. از مفهوم روایت برمی‌آید که اگر کالا کم‌تر از صد درهم ارزش داشته باشد، نباید سود دریافت شود.

از بیان صاحب جواهر علیه السلام برمی‌آید که مقصود از ظاهر روایت آن است که اگر کم‌تر از صد درهم معامله کند می‌تواند قوت همان روز را دریافت کند؛ البته، این مقدار سود را نیز باید توزیع کند بر مؤمنانی که از وی خرید می‌کنند؛ اما اگر بیش از صد درهم خرید کنند یا برای تجارت خرید کنند، دریافت سود از برادر مؤمن با رعایت رفق و مدارا مانعی ندارد (نجفی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۵). به نظر می‌رسد برداشت صاحب جواهر علیه السلام خلاف ظاهر روایت باشد؛ اما امری معقول است؛ چون اگر کسی یک روز همه مشتریانش کم‌تر از صد درهم

خرید کنند، نباید حتی به اندازه قوت همان روز هم سود دریافت کند. در حالی که در این صورت فروشنده برای تأمین مخارج زندگیش ممکن است دچار مشکل شود.

براساس هر یک از دو برداشت، این روایت‌ها با روایت دیگری ناسازگار می‌شود. راوی از امام صادق علیه السلام مقصود از اطلاق روایت را می‌پرسد و حضرت علیه السلام به وی پاسخ می‌فرماید که در ادامه، پرسش و پاسخ امام علیه السلام بیان می‌شود:

قال: سألت ابا عبدالله عليه السلام عن الخبر الذي روى أن ربح المؤمن على المؤمن رباً ما هو؟ فقال: ذاك إذا ظهر قائمنا اهل البيت عليهم السلام، فأما اليوم فلا بأس أن تبيع من الأخ وتربح عليه (حراً عاملي، ۱۴۱۳، ص ۳۹۷).

راوی گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مقصود از خبری که به این صورت روایت شده «ربح المؤمن على المؤمن رباً» چیست؟ امام علیه السلام فرمود: آن حکم مربوط به زمانی است که حق ظهور کند و قائم ما از اهل بیت علیهم السلام، قیام کند؛ اما اکنون اشکالی ندارد که تو به برادرت کالا بفروشی و از وی سود دریافت کنی.

از این روایت فهمیده می‌شود که دریافت سود از برادر مؤمن در زمان ظهور امام زمان علیه السلام ربا شمرده می‌شود؛ اما در زمان غیبت مانعی ندارد. بخش پایانی این روایت که می‌فرماید در زمان غیبت امام زمان علیه السلام دریافت سود اشکالی ندارد، با روایت‌هایی که پیش‌تر بیان شد، ناسازگار است؛ چون از یک روایت آشکار شد که دریافت سود از مؤمن ربا است و روایت دیگر نیز ظهور داشت که دریافت سود از کالایی که کم‌تر از صد درهم قیمت داشته باشد، ربا شمرده می‌شود.

این دسته روایت‌ها را برای زمان پیش از ظهور می‌توان چنین جمع کرد که در زمان غیبت دریافت سود از برادر مؤمن مکروه است؛ اما در زمان ظهور امام زمان علیه السلام مصداق ربا است. این نوع جمع از ظاهر گفتار برخی فقیهان نیز آشکار است که دریافت سود را از مشتری مؤمن برای معامله‌های کم‌تر از صد درهم یا برای غیر تجارت خریداری کند، مکروه می‌دانند (نجفی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۵).

در آموزه‌های اسلامی برای حذف سود از روابط اقتصادی بین مؤمنان هیچ‌گونه الگوی رفتاری خاصی ارائه نشده است؛ بلکه فقط از مؤمنان چنین رفتاری، خواسته شده است؛ بنابراین، اگر مؤمنان در روابط اقتصادی خود براساس شرایط زمانی و مکانی که در آن قرار دارند، هر گونه الگوی رفتاری را در چارچوب ضوابط اسلامی و در سطح کلان به‌عنوان

بخشی از نظام اقتصادی اسلام به کار گیرند تا چنین امری را در روابط اقتصادی خود محقق سازند، امری پسندیده و به این توصیه مهم عمل شده و وظیفه برادری و دینی خود را عمل کرده‌اند. اقتصاد تعاونی که بیان شد، الگویی است که می‌تواند سود اقتصادی را از روابط اقتصادی حذف و رفاه عمومی را افزایش دهد. تعاون‌گران محصولات تولیدی را به قیمت بازار می‌فروشند؛ اما پس از کسر هزینه‌ها، مازاد را به اعضای تعاونی که از تعاونی خرید کرده‌اند به میزان خریدشان برمی‌گردانند و سهم مازاد برگشتی غیراعضا را که از تعاونی خرید کرده‌اند برای توسعه تعاونی یا به‌عنوان سهام آن اعضا در اختیارشان قرار می‌دهند. از این مطالب روشن می‌شود که در الگوی تعاونی بیان‌شده، سود خالص حذف می‌شود؛ بنابراین، اگر سود اقتصادی را از نظر اخلاقی غیرعادلانه بدانیم، الگوی تعاونی که هدف تعاون‌گران رفع نیازهای مادی خود و دیگران است، می‌تواند سود اقتصادی غیرعادلانه از نظر اخلاقی را از روابط اقتصادی حذف و رفاه عمومی را افزایش و گسترده کند.

ب) اهداف اقتصاد بخش تعاونی

پیش‌تر بیان شد که تحقیق پیش‌رو با فرض پذیرش اینکه نظام اقتصادی اسلام شامل سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی در عرض هم است، دنبال می‌شود؛ بنابراین، نظام اقتصادی اسلام بدون بخش‌های هیچ‌گونه هویت مستقلی ندارد؛ پس اگر اثبات شود که نظام اقتصادی اسلام اهداف اقتصادی خاصی دارد، این امر به آن معنا است که فعالیت‌های اقتصادی هر بخش باید به سمت آن اهداف سامان‌دهی شوند؛ البته هر یک از فعالان هر بخش اقتصادی ممکن است در پی تحقق هدف عالی نظام اقتصادی اسلام نباشند؛ اما متصدیان نظام اقتصادی باید فعالیت‌های اقتصادی آن بخش را به‌گونه‌ای سامان‌دهی کنند تا در مجموع فعالیت‌های آن بخش به سمت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام باشند. فعالیت‌های اقتصادی بخش دولتی، خصوصی و تعاونی باید به‌گونه‌ای باشند که باعث تحقق سه رتبه اهداف طولی نظام اقتصادی اسلام شوند؛ اما مسئله مهم در این بحث آن است که اقتصاد تعاونی معرفی شده در تحقیق پیش‌رو آیا بستری برای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام است یا نه؟ به عبارت دیگر آیا فعالیت‌های اقتصادی بخش تعاونی زمینه تحقق اهداف عملیاتی، میانی و عالی نظام اقتصادی اسلام را فراهم می‌کنند یا نه؟ این امر

در ادامه بررسی می‌شود تا نشان داده شود که فعالیت‌های اقتصاد بخش تعاونی زمینه تحقق اهداف عملیاتی نظام اقتصادی اسلام و از آن راه بستری برای محقق شدن اهداف میانی و عالی نظام اقتصادی اسلام هستند.

اقتصاد تعاونی، بستری برای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام

اهداف عملیاتی، اهداف مستقیم برنامه‌ای و سیاستی است که برای وصول به اهداف میانی و نهایی اتخاذ می‌شوند. اهداف مقدماتی، میانی و عالی نظام اقتصادی اسلام پیش‌تر بیان شده‌اند. در ادامه هر یک از اهداف مقدماتی بیان و روشن می‌شود که پی‌گیری هر هدف مقدماتی باعث تحقق کدام هدف میانی نظام اقتصادی اسلام می‌شود تا از آن راه بستر تحقق هدف عالی نظام اقتصادی اسلام فراهم شود. همچنین بیان می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی بخش تعاونی چگونه باعث تحقق اهداف عملیاتی نظام اقتصادی اسلام می‌شوند تا از آن راه، زمینه تحقق اهداف میانی و عالی نظام اقتصادی اسلام فراهم شود.

۱. پدیدساختن اشتغال و رفع بیکاری

فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و از بین بردن بیکاری، باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود و به تحقق عدالت اقتصادی کمک می‌کند و همچنین ضریب امنیت اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ چون بیکاری همیشه تهدید جدی برای اقتصاد کشور است و باعث اعتراض‌های اجتماعی می‌شود و این امر، امنیت اجتماعی و اقتصادی را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ بنابراین، پدیدساختن اشتغال و رفع بیکاری باعث تحقق هر سه هدف میانی می‌شود. با تحقق اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام، رفاه عمومی افزایش می‌یابد. در آموزه‌های اسلامی بیکاری، امری ناپسند و کار و کوشش مورد تشویق قرار گرفته است (حرّ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۲، صص ۱۱، ۳۶ و ۳۷).

بیان شد که ورود به بخش اقتصاد تعاونی برای همه افراد، فراهم است. هر کس به قصد رفع نیازهای مادی خود با پرداخت سهم عضویت، حق دارد به کاروان عمومی اقتصاد تعاونی ملحق شده و به‌عنوان عضو اقتصاد تعاونی شناخته شود. هر چند همه اعضای تعاونی در شرکت‌های تعاونی اشتغال نخواهند داشت؛ اما توسعه تعاونی‌ها خودبه‌خود باعث اشتغال بیش‌تر را فراهم می‌کند؛ چون با زیاد شدن اعضای تعاونی و نیز فراهم شدن

زمینه خرید بیش تر برای اعضا و غیر اعضای تعاونی، به تعداد کارمندان بیش تری نیاز خواهد بود و به افراد بیش تری برای تولیدات فراوان تا به تقاضاهای جدید پاسخ داده شود؛ بنابراین روشن است که الگوی اقتصاد تعاونی معرفی شده، به طور دائم باعث افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می شود.

۲. تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها

افزایش سطح عمومی قیمت‌ها اثر منفی بر سطح زندگی فقیران و کسانی که دارای درآمد ثابت هستند، دارد. این امر سبب افزایش فاصله طبقاتی در جامعه می شود. افزایش فاصله طبقاتی بر اثر سیاست‌های تورم‌زای غیر ضروری یا کوتاهی متصدیان نظام در جلوگیری از افزایش قیمت‌ها، خلاف عدالت اقتصادی است. افزون بر آن، افزایش فاصله طبقاتی همیشه تهدیدی برای امنیت اقتصادی است؛ همچنین، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها باعث افزایش قیمت نهاده‌های تولید می شود. همیشه رابطه معکوس بین قیمت نهاده‌های تولید و میزان تولید وجود دارد. نتیجه این وضعیت، کاهش رشد اقتصادی است؛ بنابراین، اگر قیمت‌ها تثبیت شوند، وضعیت اقتصادی جامعه به سمت عدالت، امنیت و رشد اقتصادی خواهد بود. تحقق این اهداف بستر تحقق رفاه عمومی را فراهم می کند. در روایت‌های فراوانی، تورم و گرانی نکوهش و آثار مخرب آن بیان شده است: «غلاء السعر یسیء الخلق و ینهب الامانة و یضجر المرء المسلم» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۶۴)؛ یعنی گرانی قیمت‌ها اخلاق و رفتار مردم را بد می کند. امانت‌داری را از بین می برد و مردم مسلمان را در فشار و سختی قرار می دهد.

روایت دیگری در این باره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده که بسیار گویا است:
من دخل فی شیء من اسعار المسلمین لیغلبه علیهم کان حقاً علی الله ان یقدقه فی معظم من النار و رأسه اسفله (هندی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۰۱).
هر کس در نرخ قیمت کالاهای مسلمانان دخالت کند تا آن را بر مسلمانان گران کند، خداوند متعال تعالی حق دارد وی را وارونه به بدترین جای جهنم پرتاب کند.
بعید نیست که علت شدت عقاب، رفتاری است که باعث گرانی قیمت‌ها شده که به دنبال آن، مشکلاتی پدید می آید که از آن جمله، دوری نظام اقتصادی از اهدافش است که همه مردم و متصدیان نظام اقتصادی مؤظف به تحقق آن هستند. در ظاهر به جهت این نوع

مفاسد باشد که پیامبر اکرم ﷺ در بیانی، پدیدساختن فراوانی کالاها در بازار مسلمانان را مورد تشویق قرار داد تا مانع از افزایش قیمت‌ها شود:

مر رسول الله ﷺ برجل بالسوق یبیع طعاما بسعر هو ارخص من سعر السوق فقال تبع فی سوقنا بسعر هو ارخص من سعرنا قال نعم قال صبیرا واحتسابا قال نعم قال ابشر فان الجالب إلی سوقنا کالمجاهد فی سبیل الله والمحتکر فی سوقنا کالملحد فی کتاب الله (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۲).

رسول اکرم ﷺ در بازار بر مردی گذر کرد که کالایی را ارزان‌تر از قیمت متعارف آن می‌فروخت. حضرت به وی فرمود: در بازار ما، کالا را به قیمتی کم‌تر از نرخ بازار می‌فروشی؟ گفت: بله. حضرت ﷺ فرمود: آیا این کار به‌علت از خودگذشتگی و برای خداوند متعال ﷻ است؟ عرض کرد: آری. حضرت ﷺ فرمود: بر تو بشارت باد! کسی که کالایی را به بازار ما می‌آورد؛ مانند: مجاهد در راه خدا است و کسی که در بازار ما احتکار می‌کند؛ مانند: ملحد در کتاب خدا است.

این پرسش و پاسخ و تأیید پیامبر اکرم ﷺ نشان می‌دهد که کاهش قیمت اگر برای خداوند متعال ﷻ نباشد، به‌طور قطع به قصد ورشکست کردن دیگران و به‌دست گرفتن بازار و به انحصار در آوردن آن است. وقتی دیگران از بازار خارج شدند، انحصارگر قیمت کالا را به دل‌خواه افزایش می‌دهد و از این راه باعث زیان دیگران می‌شود، در نتیجه رفاه عمومی کاهش می‌یابد و نظام اقتصادی از اهدافش دور می‌شود. به این سبب، پیامبر اکرم ﷺ کسی را که با چنین رفتاری روبه‌رو است؛ مانند: ملحد در کتاب خدا می‌داند و ملحد هم کسی است که دچار عذاب الاهی و جهنم می‌شود و کسی به بازار مسلمانان کالا وارد می‌کند؛ مانند: مجاهد در راه خدا معرفی می‌کند.

الگوی اقتصاد تعاونی، بستری برای تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها است. در اقتصاد اگر عرضه کالاها و خدمات بیش از تقاضای مؤثر باشد، چنین وضعیتی را رکود اقتصادی گویند. در این وضعیت به‌طور معمول موجودی انبارها ناخواسته بالا می‌روند و نیروهای کار بیکار می‌شوند و بخشی از سرمایه‌های به‌کار گرفته‌شده در اقتصاد، بدون استفاده باقی می‌ماند. در صورت شدت یا ادامه رکود، بنگاه‌های تولیدی به مرور به تعطیلی کشیده می‌شوند و به‌طور کلی فعالیت‌های اقتصادی از رونق خارج می‌شوند. شارل ژید باور دارد که این نوع بحران ناشی از تولید اضافی، و تولید اضافی نیز منبعث از حرص و آز بی‌حد و

اندازه صاحبان صنایع و کمپانی‌های تولیدکننده است (طالب، ۱۳۷۶، ص ۷۱). الگوی تعاونی راهی برای جلوگیری از رکود اقتصادی است؛ چون اولاً؛ اعضای تعاونی‌ها به قصد سود، عضویت تعاونی را نمی‌پذیرند و فقط به هدف رفع نیازهای مادی خود و اعضای دیگر به عضویت تعاونی‌ها درمی‌آیند؛ بنابراین، به جهت انگیزه رفتاری در تعاونی، برای اعضای تعاونی زمینه پی‌گیری انگیزه سود وجود ندارد؛ ثانیاً، چنانکه در بحث‌های پیشین بیان شد، در الگوی تعاونی، سود اقتصادی وجود ندارد. اعضای تعاونی فقط مازاد برگشتی را که با خرید کالاها و خدمات به تعاونی‌های مصرف داده بودند، دریافت می‌کنند؛ بنابراین، سرچشمه اصلی رکود اقتصادی - حرص و آز برای سود بیش‌تر- در روابط اقتصادی تعاونی مصرف وجود ندارد؛ ثالثاً، مهم‌ترین مسئله آن است که بنگاه‌های تولیدی، تحت اختیار تعاونی‌ها هستند و میزان تولید کالاها براساس میزان نیاز تعاونی‌ها تعیین می‌شوند؛ بنابراین، این رابطه مانع از پیشی گرفتن عرضه از تقاضای مؤثر خواهد شد.

تورم و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در صورتی اتفاق می‌افتد که تقاضای مؤثر کل از عرضه کل پیشی گیرد. در الگوی اقتصاد تعاونی، میزان تولید و عرضه به‌طور دائم با میزان تقاضای تعاونی‌ها ارزیابی می‌شود. این ارزیابی به مسئولان تعاونی کمک می‌کند تا تولید و عرضه را هماهنگ با تقاضا تغییر دهند. در نتیجه با این روش تورم کنترل می‌شود؛ بنابراین، الگوی اقتصاد تعاونی هرگز عامل تورم و افزایش قیمت‌ها نیست؛ زیرا انگیزه‌ای برای افزایش قیمت‌ها در شرکت‌های تعاونی وجود ندارد؛ چون مازاد فروش به خود اعضای تعاونی برگشت داده می‌شود و برای فروشنده کالاها فایده‌ای ندارد که کالاها را به قیمت بالا یا پایین بفروشد. افزون بر آن، اگر تعاونی‌ها اثر جدی بر عرضه و تقاضای بازار داشته باشند، به علل پیش‌گفته، افزایش قیمت اتفاق نمی‌افتد.

اگر تورم از افزایش هزینه‌های تولید با فرض ثبات بهره‌وری عوامل تولید ناشی باشد؛ در این صورت، تعاونی‌ها چه بر عرضه و تقاضای بازار اثر جدی داشته یا نداشته باشند؛ قیمت کالاها بالا می‌رود؛ چون هزینه تولید بالا رفته است؛ البته در چنین فرضی اگر بهره‌وری عوامل بالا رود و در نتیجه هزینه‌های تولیدی در هر واحد تولید پایین بیاید، در الگوی اقتصاد تعاونی قیمت کالاها کاهش پیدا می‌کند و اگر اقتصاد تعاونی به‌گونه‌ای باشد که در قیمت بازار اثرگذار باشد، قیمت بازار نیز کاهش می‌یابد و در صورت عدم

اثرگذاری، کاهش قیمت در بخش خصوصی سرمایه‌داری با چسبندگی خواهد بود و خریداران کالاهای بخش خصوصی همچنان متضرر می‌شوند؛ اما خریداران اقتصاد تعاونی، مازاد برگشتی بیش‌تری نصیبشان می‌شود و ضرر تورم بر آنان به مراتب کم‌تر از خریداران کالاهای بخش خصوصی سرمایه‌داری خواهد بود یا هیچ‌گونه ضرری را متحمل نمی‌شوند؛ بنابراین، در هر دو فرض پیش‌گفته - تورم ناشی از فزونی تقاضا بر عرضه کل و افزایش هزینه‌های تولیدی - الگوی اقتصاد تعاونی عامل مهمی در کنترل تورم و تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها است. در نتیجه الگوی اقتصاد تعاونی، از راه تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها بر اهداف میانی اثر مثبت گذاشته و از آن راه، باعث فزونی رفاه عمومی می‌شود.

۳. رفع نابرابری فرصت‌ها

سرچشمه نابرابری گاهی به علت تفاوت‌های فکری و جسمی و همت افراد و گاهی به علت ظلمی است که در جامعه اتفاق می‌افتد. نوع اول تفاوت‌ها امری مقبول؛ بلکه لازم و مورد تأیید آموزه‌های قرآنی (زخرف: ۳۲) و روایت‌های اسلامی (حرّ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۹، ص ۱۰۳، ح ۳) است؛ اما نوع دوم تفاوت‌ها به هیچ‌وجه مورد پذیرش آموزه‌های اسلامی نیست. رفع این نوع تفاوت‌ها باعث تحقق عدالت اقتصادی در سطح جامعه می‌شود. همچنین، با برطرف‌شدن این نوع تفاوت‌ها رشد و آبادانی نیز فزونی خواهد یافت؛ چون وقتی مردم ببینند که محصول زحمت آنان به خودشان برمی‌گردد، به یقین کوشش بیش‌تری برای تولید می‌کنند و کوشش آنان باعث رشد اقتصادی می‌شود. تردیدی نیست که رفع ظلم نیز باعث افزایش ضریب امنیت اقتصادی در سطح جامعه می‌شود؛ بنابراین، رفع نابرابری فرصت‌ها باعث تحقق هر سه هدف میانی و در نتیجه باعث تحقق هدف عالی می‌شود.

الگوی اقتصاد تعاونی، بهترین الگوی اقتصادی برای رفع نابرابری‌های اقتصادی است؛ اولاً، همه افراد به قصد رفع نیازهای مادی خود و با پرداختن سهم عضویت، می‌توانند عضو تعاونی شوند؛ ثانیاً، مازاد هزینه تولید به خود خریداران کالاها - که با خرید خود منشأ آن می‌شوند - بازگشت داده می‌شود. به عبارت دیگر سود اقتصادی در این الگو وجود ندارد؛ بنابراین، کوشش به انگیزه سود بیش‌تر که سرچشمه اصلی بی‌عدالتی است، در این الگو منتفی است؛ ثالثاً، اعضای تعاونی که در خود تعاونی‌ها به‌عنوان کارمند یا تولیدکننده

اشتغال دارند، افزون بر دریافت سود محدود سهام، دستمزد مناسب دریافت می‌کنند و نیز به تناسب خرید خود، مازاد برگشتی نیز نصیب آنان می‌شود؛ رابعاً، در بسیاری مواقع، مازاد ناشی از خرید افراد غیرعضو تعاونی، به‌عنوان سهم عضویت آنان اختصاص داده می‌شود تا در آنان انگیزه عضویت در تعاونی پدید آید و به این روش اعضای تعاونی فراوان شده و تا حد امکان همه مردم از منافع تعاونی بهره‌مند شوند؛ بنابراین، این الگو می‌تواند بهترین الگو برای تحقق عدالت اقتصادی و در نتیجه برای تأمین رفاه عمومی باشد.

۵. تربیت و تقویت انگیزه‌های اخلاقی

تردیدی نیست که انگیزه‌های اخلاقی در رفتارهای اقتصادی اثر فراوانی در پیشرفت اقتصادی دارند. مهم‌ترین اثر آن، در تحقق عدالت است. اعتماد و اطمینان در رفتارهای اقتصادی از آثار دیگر رفتارهای اخلاقی است. انگیزه‌های اخلاقی باعث می‌شود که افراد در برخی مواقع حتی ایثار و از خودگذشتگی داشته باشند. این افراد هیچ‌گاه منافع اجتماع و دیگران را جدا از منافع خود نمی‌دانند. فقط این‌گونه رفتار عقلایی می‌تواند به مثابه دست نامرئی، منافع شخصی افراد را به منافع اجتماع و دیگران گره بزند؛ بنابراین، دولت باید با ابزارهای تعلیمی و تبلیغی، این الگوی رفتاری را به مردم تعلیم و تبلیغ، و انگیزه‌های اخلاقی و معنوی را در مردم تقویت کند. متصدیان امور آموزش این الگوی رفتاری را به دانش‌آموزان و دانشجویان آموزش دهند. رادیو و تلویزیون آن را در قالب برنامه‌های جذاب و هنری به مردم القا کنند. سیاست‌گذاری بخش جراید و مطبوعات در جهت ترویج این الگو باشد. این الگو از راه مساجد و مراسم مذهبی تبلیغ شود. مهم‌تر از همه، مسئولان و کارگزاران نظام با پرهیز از رفتارهای تجمل‌گرایانه و هزینه‌های غیرضرور در عمل این الگوی رفتاری را به مردم معرفی کنند. آنگاه با به‌کارگیری فناوری جدید و پیشرفته، تولیدات فزونی خواهد یافت و رشد اقتصادی مطلوب می‌شود. بدیهی است اگر الگوی رفتار اخلاقی در فعالیت‌های اقتصادی نهادینه شود، توزیع عادلانه‌تر شده و امنیت اقتصادی تأمین خواهد شد؛ بنابراین، رفتارهای اخلاقی در عرصه اقتصادی با اثرگذاری روی اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام، رفاه عمومی را افزایش می‌دهد.

به‌رغم اهمیت انگیزه‌های اخلاقی و راهکارهای ارائه‌شده برای تحقق این انگیزه‌ها، عمل به ارزش‌های اخلاقی در روابط اقتصادی بدون سازوکاری که بتواند آنها را نهادینه و پایدار کند، چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود. تجربه کشورهای اسلامی و غیراسلامی نیز این ادعا را تأیید می‌کند. به‌رغم کوشش‌های فراوان برای گسترش رفتارهای اخلاقی در عرصه اقتصادی؛ اما به جهت عدم نهادینه‌شدن این رفتارها و نیز عدم پشتوانه قانونی و اجرایی آن، امید چندانی برای تأمین رفاه عمومی از این الگو نمی‌توان داشت. این امر نیز به معنای دست‌کشیدن از این الگو نیست؛ چون این رفتارها اهمیت خود را هرگز در تأمین رفاه عمومی از دست نمی‌دهند؛ اما مسئله اصلی، یافتن الگویی است که بتواند این نوع رفتارها را نهادینه کند تا به این وسیله رشد، عدالت و ضریب امنیت اقتصادی را در عرصه اقتصادی پایدار کند. به‌نظر می‌رسد الگوی اقتصاد تعاونی ظرفیت چنین رسالتی را واجد است. سرچشمه اصلی بی‌عدالتی‌های اقتصادی و رفتارهای غیراخلاقی در عرصه اقتصادی، انگیزه حداکثر کردن سود مادی شخصی فعالان اقتصادی است. این انگیزه، حرص به امور مادی را در انسان‌ها تشدید می‌کند و آنان را به دام رقابت داروییستی می‌کشاند. رقابت نیز سرچشمه رفتارهای انحصارگرانه در عرصه اقتصادی می‌شود. به دنبال آن، توزیع امکانات اقتصادی نامناسب و تأمین رفاه عمومی با مشکل روبه‌رو می‌شود. در الگوی اقتصاد تعاونی، پی‌گیری حداکثر سود مادی شخصی امکان ندارد؛ بنابراین، دیگر مشکلات متعاقب آن نیز پدید نمی‌آید. برعکس انگیزه اعضای تعاونی رفع نیازهای مادی خود و دیگر اعضای تعاونی؛ بلکه همه انسان‌ها است. این انگیزه در رفتارهای اقتصادی الگوی اقتصاد تعاونی به‌صورت نهادینه بروز می‌کند؛ بنابراین کافی است اصل الگو برای مردم معرفی و آنان به عضویت این الگوی اقتصادی درآیند. آنگاه راه پی‌گیری سود مادی شخصی مسدود می‌شود و پی‌گیری رفع نیازهای مادی اعضا و افراد دیگر باعث می‌شود که رفاه عمومی تأمین گردد.

۶. جلوگیری از انحصار

رفتار انحصارگرانه که باعث افزایش قیمت‌ها شود، دور از عدل و انصاف است. همان‌طور که امیر مؤمنان علیه السلام در نامه‌اش به مالک اشتر درباره احتکار - یک نوع رفتار انحصارگرانه در عرصه اقتصادی است - که باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود، فرمود قیمت‌ها نباید گران باشد؛

بلکه به موازین عدل باشد که نه بر فروشنده و نه بر خریدار اجحافی صورت نگیرد (شهیدی، ۱۳۷۹، ن ۵۳، ص ۳۳۵)؛ بنابراین جلوگیری از انحصار، باعث تحقق هدف میانی عدالت می شود. رفتار انحصارگرانه همیشه نسبت به فعالان اقتصادی نوعی تهدید شمرده می شود و امنیت اقتصادی آنان را در معرض خطر قرار می دهد؛ بنابراین جلوگیری از انحصار، باعث افزایش امنیت اقتصادی می شود. خارج کردن برخی فعالان اقتصادی از چرخه تولید، سبب می شود تولید و عرضه کالا در جامعه کاهش پیدا کند؛ بنابراین با جلوگیری از انحصار، اقتصاد با رشد روبه رو می شود. از آنچه گذشت، نتیجه می گیریم که جلوگیری از انحصار زمینه تحقق هر سه هدف میانی را فراهم می کند. /میر مؤمنان علیه السلام در گفتار جامعی مفاسد اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی انحصار را به روشنی بیان می فرماید:

الاستثار یوجب الحسد و الحسد یوجب البغضة و البغضة توجب الاختلاف و الاختلاف یوجب الفرقة و الفرقة توجب الضعف و الضعف یوجب الذل و الذل یوجب زوال الدولة و ذهاب النعمة (ابن ابی حدید، ۱۹۶۴، ج ۲۰، ص ۳۴۵).

انحصار و اختصاص امکانات به خود، باعث حسد دیگران، و حسد باعث دشمنی، دشمنی سبب اختلاف، اختلاف باعث جدایی، جدایی سبب ضعف، ضعف باعث خوار شدن، و خواری و ذلت باعث از بین رفتن دولت و نعمت می شود.

الگوی اقتصاد تعاونی، زمینه رفتار انحصارگرانه را از بین می برد. بیان شد که همه افراد جامعه با پرداختن حق سهم عضویت اقتصاد تعاونی به قصد رفع نیازهای مادی خود می توانند، عضو تعاونی شوند. از سوی دیگر، انگیزه و سرچشمه رفتار انحصارگرانه - پی گیری حداکثر کردن سود مادی شخصی - در این الگو منتفی است؛ بنابراین الگوی اقتصاد تعاونی با از بین بردن بستر رفتار انحصارگرانه، زمینه تحقق اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام را فراهم می کند که به دنبال آن، رفاه عمومی در جامعه افزایش می یابد.

۷. جلوگیری از رباخواری

از دید اقتصادی، ربا پاداش سرمایه در فعالیت های اقتصادی شمرده می شود. رباخوار هیچ توجهی ندارد که ربا دهنده سرمایه اش را چگونه و در چه مواردی به کار می گیرد. وی فقط به فکر کسب سود خود است و هیچ گونه ریسکی در برابر ربایی که می گیرد، نمی پذیرد. در حالی که اغلب سرمایه گذاری ها ممکن است با ریسک روبه رو باشند؛ در نتیجه،

تولیدکنندگان می‌کوشند تا به سمت کالاها و خدماتی رو آورند که ریسک کم‌تری داشته باشند و از ورود به فعالیت‌های اقتصادی که برای مردم و جامعه سودمند؛ اما با ریسک همراه است، پرهیز کنند. نتیجه چنین وضعیتی آن است که تولید کاهش یابد، بخشی از سرمایه‌های نقدی تعطیل بماند یا به سمت فعالیت غیرسودمند سوق یابد. در حالی که اگر ربا در فعالیت‌های اقتصادی وجود نداشته باشد، صاحبان سرمایه‌های نقدی؛ مانند: تولیدکننده اقتصادی، در سود، مشارکت خواهند کرد و هم درجه‌ای از ریسک را خواهند پذیرفت و رشد اقتصادی مطلوب‌تر خواهد شد. تجویز ربا باعث شده است تا سهم بهره‌مندی عامل سرمایه از تولید به مراتب از سهم بهره‌مندی نیروی کار از تولید بیش‌تر شود (شهمیرزادی، ۱۳۷۸، صص ۷۱ و ۵۷۱)؛ بنابراین، رباخواری مصداق ظلم است و اگر این امر در سطح جامعه اتفاق بیافتد، تحقق عدالت مشکل خواهد شد. با توجه به آنچه گذشت، معلوم می‌شود که جلوگیری از رباخواری تحقق اهداف میانی - عدالت و رشد اقتصادی - را به دنبال خواهد داشت که به دنبال آن، زمینه‌های افزایش رفاه بیش‌تر فراهم می‌شود. ربا در اسلام به ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) حرام شمرده شده است. در آیات قرآن رباخوار؛ مانند: کسی معرفی شده که بر اثر تماس با شیطان، تعادل خود را از دست داده (بقره: ۲۷۵)، اعلان جنگ با خدا و پیامبر کرده (همان: ۲۷۸ و ۲۷۹) و دچار آتش جهنم می‌شود (آل عمران: ۱۳۰ و ۱۳۱).

الگوی اقتصاد تعاونی به‌گونه‌ای است که جایگاه عامل سرمایه در فعالیت‌های اقتصادی را نسبت به انسان تنزل می‌دهد. در این الگو، همه انسان‌ها با اندک سرمایه که اغلب افراد جامعه واجد آن هستند، می‌توانند به عضویت اقتصاد تعاونی درآیند. با توسعه فعالیت‌ها، سرمایه لازم برای تأسیس واحدهای تولیدی از راه فروش کالاها به قیمت بازار و افزایش مازاد برگشتی، فراهم می‌شود؛ بنابراین، در این الگو، نیاز اقتصاد تعاونی به سرمایه از راهی برطرف می‌شود که کم‌تر نیازمند سرمایه‌هایی می‌شود تا بخواهد با دادن ربا آنها را جذب کند. برخی منابع می‌نویسند که این الگوی اقتصاد تعاونی در برخی مواقع با مازاد سرمایه روبه‌رو می‌شدند و خود به تعاونی‌های تولیدی وام می‌دادند. با اجرای این الگوی خود به خود تا حد فراوانی زمینه رباخواری و ظلم در اقتصاد متنفی شده و بستر رشد و عدالت اقتصادی فراهم می‌شود و در نتیجه، رفاه عمومی افزایش می‌یابد.

۸. جلوگیری از احتکار

احتکار کالاها نوعی فعالیت اقتصادی ناپسند در قلمرو توزیع است. این نوع فعالیت به انگیزه افزایش سود بیش تر، باعث افزایش قیمت کالاها می شود؛ چرا که محتکر، کالاها را از چرخه توزیع خارج می کند و بازار عرضه را با کمبود مصنوعی روبه رو می سازد و بر قیمت بازار اثر می گذارد و اقتصاد را از وضعیت کارایی خارج می کند. در نتیجه، هزینه مبادله ها افزایش می یابد. در چنین وضعیتی همه مردم متضرر می شوند. در متون دینی، احتکار مورد نهی قرار گرفته است (حرّ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۴۲۵، ح ۶ و ص ۲۷۶، ح ۲). براساس بیان حضرت علی علیه السلام احتکار ظلم و اجحاف را به دنبال دارد و مانع تحقق عدالت می شود (سیدرضی، ۱۳۷۹، ن ۵۳، ص ۹۸۸)؛ بنابراین با جلوگیری از احتکار، بستر تحقق عدالت در جامعه فراهم می شود.

در الگوی اقتصاد تعاونی، زمینه تحقق احتکار از بین می رود. چون انگیزه افزایش سود مادی شخصی بیش تر وجود ندارد؛ همچنین تولیدکنندگان و خریداران همه عضو اقتصاد تعاونی هستند و علتی برای احتکار وجود ندارد. در نتیجه در این الگو با از بین رفتن زمینه های احتکار و اجحاف، بستر تحقق عدالت اقتصادی فراهم می شود و به دنبال آن، رفاه در سطح جامعه فزونی می یابد.

همچنین، برخی از فعالیت های اقتصادی حرام دیگر؛ مانند: رشوه، غش در معامله، تبذیر و اتلاف به طور مستقیم اثر منفی بر اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام دارند. در نتیجه، بستر تأمین رفاه عمومی را با مشکل روبه رو می کنند؛ اما اجرای الگوی اقتصاد تعاونی معرفی شده، زمینه های فعالیت های اقتصادی حرام بیان شده را به شدت کاهش؛ بلکه از بین می برد و زمینه تحقق اهداف میانی و عالی نظام اقتصادی اسلام را فراهم می کند. بررسی و تحلیل این موارد مانند موارد پیشین است و برای پرهیز از طولانی شدن بحث ها از پرداختن به این موارد خودداری می شود.

ج) اهداف دولت در اقتصاد تعاونی

رسالت اصلی دولت اسلامی در عرصه اقتصادی، محقق ساختن اهداف نظام اقتصادی اسلام است. وقتی رفاه عمومی به عنوان هدف عالی پذیرفته شد، تمام وظایف و اختیارات دولت

در اقتصاد بر معیار تحقق یا عدم تحقق رفاه عمومی رقم می‌خورد. اگر وجود وظیفه یا اختیاری برای دولت در عرصه اقتصادی مانع تحقق رفاه عمومی شود، آن وظیفه یا اختیاری باید از دولت دریافت شود؛ همچنین اگر عدم وظیفه یا اختیاری برای دولت مانع تحقق رفاه عمومی شود، باید آن وظیفه و اختیاری به دولت واگذار شود؛ البته مطلب بیان‌شده با صرف‌نظر از تحقق اهداف دیگر نظام‌های اسلامی و مسئله تراحم اهداف نظامات اسلامی است. راه اصلی تأمین رفاه عمومی، تحقق اهداف میانی است؛ اما تحقق اهداف میانی فقط از راه اهداف عملیاتی ممکن است؛ بنابراین دولت در هر زمانی برای تحقق هدف عالی نظام اقتصادی اسلام - رفاه عمومی - باید اهداف عملیاتی را بازنگری کند تا برای رسیدن به هدف عالی وزن مناسب به آنها بدهد.

در بحث پیشین نشان داده شد که الگوی بخش اقتصاد تعاونی، الگوی بسیار مناسبی برای تحقق اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام و در نتیجه بستر مناسبی برای تحقق هدف عالی نظام اقتصادی اسلام - رفاه عمومی - است؛ بنابراین، مهم‌ترین هدف دولت در اقتصاد تعاونی، فراهم کردن زمینه‌های شکل‌گیری و توسعه آن است؛ چون با تحقق این هدف، بستر تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، فراهم می‌شود.

دولت برای رسیدن به هدف میانی خاصی، باید اهداف عملیاتی را که در تحقق آن هدف، مؤثر است، دنبال کند. اینکه دولت امکانات خود را برای تحقق کدام هدف عملیاتی و به چه میزانی به کار گیرد، به اهمیت اهداف میانی موردنظر دولت بستگی دارد. اگر دولت بتواند در مقطع زمانی معین، تمام اهداف میانی را دنبال و به‌صورت کامل محقق سازد، باید آن را انجام دهد؛ اما اگر امکانات لازم برای تحقق کامل هم‌زمان تمام اهداف میانی در یک مقطع زمانی معین وجود نداشته باشد، به عبارت دیگر در تحقق هم‌زمان اهداف میانی تراحم اتفاق بیافتد، دولت باید اولویت‌گذاری در اهداف میانی انجام دهد و امکانات خود را به میزان اهمیت اهداف میانی برای تحقق هدف عالی، اختصاص دهد.

شایان ذکر است که با توجه به بحث‌های پیش‌گفته درباره ابعاد الگوی اقتصاد تعاونی، می‌توان انتظار داشت که تحقق الگوی اقتصاد تعاونی، بستری متوازن برای تحقق همه اهداف عملیاتی باشد؛ چون تحقق همه اهداف عملیاتی نتیجه طبیعی اجرای الگوی اقتصاد تعاونی است و با اجرای این الگو هیچ‌گونه تراحمی در تحقق اهداف عملیاتی اتفاق

نمی‌افتد. در نتیجه با تحقق الگوی اقتصاد تعاونی، می‌توان انتظار داشت که اهداف میانی نیز بدون تراحم خاصی به صورت متوازن محقق شوند؛ البته اگر در یک مقطعی هدفی از اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام اهمیت خاصی داشته باشد، باید خود دولت به‌طور مستقیم اقدام‌های خاص اقتصادی برای تحقق آن هدف انجام دهد یا با تقویت بخش خصوصی تحقق آن هدف را امکان‌پذیر کند.

اهداف اقتصاد بخش تعاون در قانون جمهوری اسلامی ایران

در سال ۱۳۷۷ قانون اقتصاد بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران اصلاح و تصویب شد. امور مهم ذیل به‌عنوان اهداف این بخش به تصویب رسید:

۱. پدیدساختن و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل؛
۲. قرار دادن وسائل کار در اختیار کسانی که قادر به کار هستند؛ اما وسائل کار ندارند؛
۳. پیش‌گیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی؛
۴. جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت؛
۵. قرار گرفتن مدیریت، سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق به بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود؛
۶. پیش‌گیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر؛
۷. توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم (معاونت پشتیبانی و امور مجلس وزارت تعاون، ۱۳۷۷، ص ۱-۲).

اهداف پیش‌گفته امور مهمی هستند؛ اما با توجه به بررسی اهداف اقتصاد بخش تعاون در ارتباط با اهداف نظام اقتصادی اسلام، ملاحظات ذیل درباره اهداف پیش‌گفته در قانون مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱. براساس آنچه درباره اهداف اقتصاد بخش تعاونی و مراتب آن بیان شد، روشن است مطالبی که در هفت بند به‌عنوان اهداف بخش تعاونی بیان شده است، اهداف عملیاتی دولت در بخش اقتصاد تعاونی است نه اهداف بخش تعاونی. بند هفت نیز وظیفه دولت درباره تحقق تعاونی است نه هدف دولت در اقتصاد بخش تعاونی. در حقیقت تعاونی در ایران دولتی دیده شده است. در حالی که جایگاه اقتصاد تعاونی به‌عنوان بخشی از نظام

اقتصادی اسلام در عرض اقتصاد بخش دولتی است؛ بنابراین، اهداف اقتصاد بخش تعاونی باید بیان شود؛ سپس وظایف دولت برای تحقق اهداف بخش تعاونی مشخص شود؛

۲. برخی از اهداف پیش گفته، نسبت به هم به صورت عام و خاص هستند؛ بنابراین با بیان عام، نیازی به ذکر خاص نیست. هدف شماره هفت، نسبت به هدف شماره سه، چهار و پنج این گونه است؛ چون با تحقق «توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم»، اهداف شماره سه، چهار و پنج محقق می‌شوند؛ بنابراین، نیازی به بیان آنها نیست؛

۳. تمام اهداف بیان شده در قانون تعاونی، اهداف عملیاتی هستند. برای رسیدن به اهداف میانی و عالی چاره‌ای جز حرکت از راه اهداف عملیاتی نیست؛ اما تا وقتی که اهداف میانی و عالی مشخص نباشند، نمی‌توان اهداف عملیاتی مناسبی را دنبال کرد. همچنین تعیین اولویت‌ها در اهداف عملیاتی را نمی‌توان مشخص کرد. در این صورت امکانات فراوانی اختصاص خواهد یافت؛ اما دستیابی به هدف، غیر محقق خواهد شد؛ بنابراین برای تعیین اهداف اقتصاد تعاونی باید این مراحل دنبال شود:

۱. اهداف عالی و میانی اقتصاد بخش تعاونی معلوم شوند؛
۲. اهداف عملیاتی و اثر هر یک از اهداف عملیاتی بر تک تک اهداف میانی مشخص شود؛
۳. شرایط و امکان وقوع تراحم در اهداف تبیین شود و ضوابط رفع تراحم، هنگام تراحم اهداف نیز معلوم شود (یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۳۱).
۴. واژه «عمومی» در بند هفت، زاید است؛ چون وقتی بیان می‌شود «توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون بین همه مردم»، دیگر نیازی به ذکر واژه «عمومی» نیست؛ زیرا عبارت «بین همه مردم» از آوردن واژه «عمومی» کفایت می‌کند؛
۵. برخی بندهای بیان شده، نوعی تکرار محتوایی است. با وجود بند یک، نیازی به ذکر بند شماره دو نیست؛ چون «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه» که در بند یک آمده است، همان مفهوم بند شماره دو است.

اصلاح اهداف اقتصاد تعاونی (نتیجه‌گیری)

با توجه به نتایج بحث‌هایی که گذشت، به نظر می‌رسد بتوان اهداف اقتصاد بخش تعاونی جمهوری اسلامی ایران را سامان‌دهی کرد. این بحث به‌عنوان نتیجه تحقیق نیز ارائه می‌شود. نتایج حاصل از بحث‌های پیشین عبارت هستند از:

۱. اقتصاد بخش تعاونی در اسلام بخشی از پیکره نظام اقتصادی اسلام است؛
۲. اهداف اقتصادی بخش تعاونی در اسلام؛ مانند: اهداف نظام اقتصادی اسلام سه رتبه مترتب بر هم دارد؛
۳. تحقق اهداف هر رتبه زمینه‌ساز تحقق اهداف رتبه بالاتر است؛
۴. با توجه به مطالب بیان‌شده، اهداف اقتصاد بخش تعاونی جمهوری اسلامی ایران باید به این صورت اصلاح و بازسازی شوند:

۱. رفاه عمومی، هدف عالی اقتصاد بخش تعاونی است؛ بنابراین، سامان‌دهی اقتصاد بخش تعاونی، تنظیم و تصویب قوانین، تعیین برنامه‌ها و سیاست‌ها و نیز آیین‌نامه‌ها باید در جهت تحقق این هدف باشند؛

۲. عدالت، امنیت و رشد اقتصادی، اهداف میانی اقتصاد بخش تعاونی هستند؛ بنابراین در اقتصاد بخش تعاونی این سه امر به گونه‌ای باید پی‌گیری شوند تا همیشه در جهت تحقق هدف عالی باشند. حاکمیت اسلامی باید بستر تحقق اهداف میانی را فراهم کند و نیز امکانات کافی برای محقق‌شدن این اهداف را اختصاص دهد. در صورت تزامم در اختصاص امکانات برای پی‌گیری اهداف میانی، پی‌گیری هر هدفی، اقتصاد بخش تعاونی را به رفاه عمومی نزدیک‌تر کند در اولویت قرار دارد؛

۳. حاکمیت اسلامی برای تحقق اهداف میانی باید همیشه اهداف عملیاتی را در دستور کار خود قرار دهد. اهداف عملیاتی، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که حاکمیت اسلامی در اقتصاد بخش تعاونی دنبال می‌کند. این هدف‌ها عبارت هستند از: پدیدساختن اشتغال و رفع بیکاری، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، رفع نابرابری فرصت‌ها، تربیت و تقویت انگیزه‌های اخلاق اقتصادی، جلوگیری از انحصار، رباخواری، احتکار و برخی افعال حرام در فرایند اقتصادی؛ مانند: رشوه.

اقتصاد بخش تعاونی باید به گونه‌ای سامان‌دهی شود تا بتواند اهداف عملیاتی را دنبال کند. اگر در پی‌گیری اهداف عملیاتی تزاممی بیافتد، پی‌گیری هر هدفی، اقتصاد بخش تعاونی را به هدف عالی نزدیک‌تر کند، در اولویت قرار می‌گیرد؛ به‌طور مثال، اگر دنبال کردن هم‌زمان رفع کامل بیکاری و تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها امکان‌پذیر نباشد، حاکمیت اسلامی میزان امکانات جامعه را جهت پی‌گیری این دو هدف باید به گونه‌ای به هر کدام اختصاص دهد تا رفاه عمومی به حداکثر ممکن برسد.

منابع و مأخذ

۱. آمدی، محمد تمیمی؛ غررالْحکْم و درر الکلم؛ شرح محمد خوانساری؛ ج ۵، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲. ابن‌ابی‌الحدید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم؛ ج ۲۰، بیروت: داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۴م.
۳. اتحادیه بین‌المللی تعاون؛ ۱۳۷۷ش، گزارش کار سی و یکمین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون منچستر ۱۹۹۵م؛ ترجمه معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون، ۱۳۷۷.
۴. بوگاردوس، اموری؛ تعاون و اصول اولیه آن (نشریه ۹۳)؛ ترجمه وزارت تعاون و امور روستاها؛ تهران: نشر وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲.
۵. حاکم‌نیشابوری، ابو عبدالله محمدبن عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ تحقیق مصطفی عبدالقادر؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۶. حرّ عاملی، محمدبن‌حسن؛ وسائل الشیعه؛ بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.
۷. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی؛ الحیاء؛ ج ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۸. زید، شارل و شارل ریست؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه کریم سنجابی؛ ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۹. زید، شارل؛ تعاونی‌های مصرف؛ ج ۱، تهران: مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، ۱۳۴۸.
۱۰. سید رضی؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه سیدجعفر شهیدی؛ ج ۱۹، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۱. صدر، سیدمحمدباقر؛ فلسفتنا؛ ج ۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
۱۲. طالب، مهدی؛ اصول و اندیشه‌های تعاونی؛ ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۱۳. عسگری، علی و حمیدرضا اشرفزاده؛ بررسی جایگاه تعاون در بازرگانی خارجی کشور؛ چ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۹.
۱۴. کرونیس، هاموت؛ پول، بهره، بحران‌های اقتصادی-اجتماعی؛ ترجمه حمیدرضا شهمیرزادی؛ چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول الکافی؛ تعلیق علی‌اکبر غفاری؛ چ ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۱۶. لاورن، برنارد؛ تعاونی‌های مصرف‌کنندگان؛ ترجمه فتح‌الله بهاری؛ چ ۱، تهران: مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، ۱۳۴۸.
۱۷. لی، کمبر و رابرت کراپ؛ اصول و رویکردهای تعاون در قرن بیست و یکم؛ ترجمه مرجانه سلطانی؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون (معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج)، ۱۳۸۵.
۱۸. محمدی‌ری‌شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ چ ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲.
۱۹. مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن؛ تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۶.
۲۰. معاونت پشتیبانی و امور مجلس وزارت تعاون؛ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات مصوب مهر ۱۳۷۷ش؛ تهران: وزارت تعاون، ۱۳۷۷.
۲۱. منصور، جهانگیر؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ چ ۳۵، تهران: نشر دوران، ۱۳۸۴.
۲۲. میرمعزی، سیدحسین، نظام اقتصاد اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)؛ چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۲۳. نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۴. وزارت تعاون (معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج)؛ مباحث نوین در مدیریت شرکت‌های تعاونی؛ چ ۱، تهران: پایگان، ۱۳۸۴.

۲۵. وزارت تعاون و امور روستاها؛ مجموعه گفتارهای تعاونی (نشریه ۸۵)؛ اول، تهران: انتشارات وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲.
۲۶. ویچ، داوید؛ به سوی دنیای تعاون؛ چ ۱، تهران: انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۴۷.
۲۷. هندی، علی متقی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ چ ۱، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۲۸. یوسفی، احمد علی؛ ربا و تورم؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
۲۹. _____؛ «اهداف اقتصادی حکومت اسلامی»؛ فصلنامه حکومت اسلامی، قم: دبیرخانه خبرگان رهبری، ۱۳۸۷.